

قبطان سنور سنور دیوغ دمیل<sup>۱</sup>

از مقام اخلاص و دولتخواهی خود را مذکور خاطر عاظم  
 ملازمین ملک اعظم القبطان فی الزمان المشکور بكل اللسان، بعدل  
 المروة والاحسان می آورد و در کل حال، مخلص و دولتخواه است.  
 بعد از عرض خدمتکاری به عز عرض نواب کامیاب می رساند که  
 ملازمین عالیشان امین و خاطر عظمت افتخار اعظام را مرآة  
 فی الزمان بجمال الامارة والسعادة و [—] محمود پناها و قدره نواب  
 عظام ابد ایام دولتهم و خویشان از قدیم الزمان اباعن جد به دولت  
 پادشاهان جرون معاش و لباس و اوقات گذرانیده اند و همه ساله  
 از سر اخلاص که داشته اند ملکی از ممالک پادشاه در اطرافشان  
 بوده و مادام خدمتکاریمها [ی] شایسته از سراخلاص [به نو]عی

رسانیده‌اند و هیچ قصوری در خدمت پادشاه پرتکال و پادشاه‌چرون  
نکرده‌اند و [ - ] این زمین در این جانب وطن ساخته‌اند و در این  
ملك كمر خدمتکاری بسته‌اند و پادشاه جهت معاش ، ایشان را از  
مال قلهات مبلغ بیست و هفت لك حواله دولت ایشان فرموده‌اند که  
هر کس که وزیر باشد بدهد و همه ساله فرمان و برات مجدد نطلبند  
و فرامین کپتن تمران نیز بدین موجب در دست دارند و چون سابقاً  
به دولت پادشاه گرفته‌اند و بلکه به اعتماد شفقت شما توقع زیاده  
از این داشتند، امسال که رجوع خدمتکاری این ملك به این بنده  
فرموده‌اند و میانه من و ایشان قدیمأ اخلاص و یکجهمتی و یگانگی  
است، همین قاعده خود میطلبند و به واسطه آنکه ناخدا شمسی  
می‌نویسد که مال ملك تمام حواله من است و به کس ندهد، اکنون  
این مخلص در توقف و تأمل است که ایشان جمعی از او مستحق‌اند.  
در این باب این خدمتکار چه جواب ایشان گوید که چند فرامین  
پادشاه و کپتن تمر دارند که همه ساله بستانند. این زمان در این باب  
نواب ملازمان به غور رسند و اندیشه این صورت فرمایند که ایشان  
مخلص و خدمتکار پادشاه و ملازمان‌اند و در این جانب کسر اخلاص و  
خدمتکاری بر میان جان بسته‌اند و لایق‌اند تا بر ملازمان واضح  
باشد. الباقی وابسته به شفقت و عطوفت و غور رسی ملازمان  
است. بیش از این گستاخی و تصدیع نمی‌نماید و الامر الاعلی  
من الخادم المملوك راشد بن احمد .